

هستند. وقتی شما یک موسیقی یا ساز را بارها و بارها می‌بینید و می‌شنوید، طبیعی است که با آن ارتباط برقرار کنید. بنابراین اگر می‌خواهیم جوان با موسیقی ایرانی، سازهای ایرانی و موسیقی کلاسیک ارتباط برقرار کند، باید این موسیقی را هم به او نشان بدهیم. فقط نمی‌توانیم بگوییم چرا جوان امروز این موسیقی را نمی‌شناسد؛ باید ببینیم چه مقدار از این موسیقی را در معرض دید و شنید او قرار داده‌ایم.

○ به جشنواره موسیقی فجر هم اشاره کنیم. به نظر شما این جشنواره امروز چه جایگاهی در ساختار موسیقی جدی ایران دارد؟

جشنواره، در درجه اول جشنواره است. البته سال گذشته شرایط خاصی وجود داشت و به دلیل مشکلات اجتماعی، برنامه‌ای که قرار بود در مدت طولانی برگزار شود، در کمتر از یک هفته اجرا شد. اما فارغ از آن شرایط، به نظرم باید درباره مفهوم جشنواره فکر کنیم. گاهی به نظر می‌رسد برگزارکننده می‌خواهد همه کارهایی را که قرار بوده در طول یک سال انجام دهد، در جشنواره جمع کند؛ نشست برگزار کند، جایزه پژوهش بدهد، جایزه آهنگسازی بدهد، موسیقی نواحی داشته باشد، پاپ داشته باشد و انواع برنامه‌ها را کنار هم قرار دهد. اما جشنواره باید تفاوت خودش را با برنامه‌های عادی سالانه نشان دهد. جشنواره باید واقعا جشن باشد. باید گروه‌های خوب موسیقی استقبال کنند و به هوای یکدیگر به جشنواره بیایند. مردم هم باید احساس کنند وارد یک رویداد متفاوت شده‌اند و همه می‌توانند در آن مشارکت کنند.

اینکه چند برنامه در چند سال برگزار شود و بعضی از آنها مخاطب کافی نداشته باشند، به نظرم نمی‌تواند معنای کامل یک جشنواره را محقق کند. امیدوارم همه ما بتوانیم کمک کنیم که جشنواره از آنچه امروز هست، بهتر شود.

○ یکی از بحث‌های همیشگی در اقتصاد موسیقی، قیمت بلیت است. آیا افزایش قیمت بلیت الزاماً به کاهش مخاطب و کاهش قیمت بلیت الزاماً به ضرر گروه منجر می‌شود؟

به نظرم این مسئله بسیار پیچیده‌تر از این معادله ساده است. اینکه بگوییم اگر قیمت بلیت را بالا ببریم مخاطب کم می‌شود و اگر پایین بیاوریم گروه موسیقی ضرر می‌کند، نگاه بسیار ساده‌ای به یک مسئله تخصصی است. در مدیریت موسیقی، سیستم فروش بلیت، نوع تبلیغات، زمان اجرا، نوع برنامه، شناخت مخاطب و مسائل متعدد دیگری دخیل هستند. همه اینها راهکار و تمهیدات خاص خودشان را دارند. معادله فروش یک داستان مفصل است و مدیریت هنری یک حوزه تخصصی است که دانش و تجربه آن طی چند سال تحصیل و فعالیت حرفه‌ای به دست می‌آید. متأسفانه در سیستم فعلی اقتصاد موسیقی ما، به اندازه کافی متخصصانی که بتوانند این تمهیدات را طراحی و اجرا کنند، حضور ندارند یا از دانش آنها استفاده نمی‌شود.

○ اگر بخواهیم در نهایت از شما پرسیم موسیقی ایران امروز بیش از هر چیز به چه چیزی نیاز دارد، پاسخ شما چیست؟

به نظر من موسیقی ایران امروز بیش از هر چیز به توجه جدی به موسیقی کودک نیاز دارد و بعد از آن موسیقی نوجوان. باید از خلایق‌هایی که می‌توانند کودکان را به موسیقی خوب، موسیقی علمی و موسیقی صحیح جذب کند، حمایت کنیم. این مهم‌ترین نیاز امروز ماست. نسلی از کودکان و نوجوانان را داریم که به نظرم تا حد زیادی رها شده‌اند؛ مثل تکه‌های شکسته یک کشتی روی امواج ملامطم دریا. از این طرف به آن طرف می‌روند و هر کس هر موسیقی‌ای که دم دستش باشد، در اختیارشان می‌گذارد. اگر می‌خواهیم آینده موسیقی ایران را بسازیم، باید از کودکی شروع کنیم.

○ شما در بیانیه‌ای که در باره جشنواره موسیقی فجر داشتید نیز به موسیقی کودک و نوجوان اشاره کرده بودید. تجربه آن بخش چطور بود؟

جشنواره سال گذشته اجرا شد، همین بخش موسیقی کودک و نوجوان بود. از مدارس، تعداد زیادی کودک را به جشنواره آوردیم. در تمام روزهای جشنواره، روزانه بیش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ کودک در سالن‌ها حضور داشتند. چیزی که برای من بسیار جالب بود، علاقه و عشقی بود که این بچه‌ها به موسیقی نشان می‌دادند. برای آنها موسیقی کودک طراحی شده بود و حتی کودکانی که اجرا می‌کردند، در دل ترانه‌ها و آوازهایشان نام دستگاه‌های موسیقی ایرانی را به بچه‌ها آموزش می‌دادند. نام سازهای موسیقی ایران نیز در قالب شعر و آواز به آنها معرفی می‌شد. این دقیقاً همان کاری است که باید بیشتر انجام دهیم. اگر کودک از همان ابتدا با ساز ایرانی، موسیقی ایرانی، دستگاه‌ها و موسیقی خوب آشنا شود، در آینده مخاطب آگاه‌تری خواهد بود. به نظر من مهم‌ترین نیاز امروز موسیقی ایران همین است: توجه جدی به کودک و نوجوان.



این است که در کنار آثار کلاسیک و رمانتیک که طبیعتاً در رپرتوار همه ارکسترهای دنیا وجود دارند، این ارکستر سراغ آثار خاص و متفاوت هم می‌رود؛ مثلاً قطعاتی برای ارکستر سمفونیک و گیتار بیس، ماریمبا و پرکاشن یا قطعاتی با حضور ساکسوفون و سازهای دیگر. این سازها برای نسل جوان جذابیت بیشتری دارند. بنابراین جوانی که برای شنیدن یک گیتار بیس یا ساکسوفون به سالن می‌آید، در همان سالن با مفهوم ارکستر سمفونیک نیز آشنا می‌شود. اگر این برنامه‌ریزی درست انجام شود، بخشی از مخاطبان این اجراها می‌توانند مشتری‌ان آینده سالن‌های موسیقی کلاسیک باشند.

○ پس به نوعی معتقدید مسئله فقط اجرای آثار کلاسیک نیست و باید برای مخاطب جدید مسیر ورود طراحی کرد؟

دقیقاً. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم جوانی که هیچ ارتباطی با ارکستر سمفونیک نداشته، ناگهان وارد سالن شود و دو ساعت یک برنامه کاملاً کلاسیک را دنبال کند. باید برای او نقطه اتصال ایجاد کنیم. این نقطه اتصال می‌تواند یک ساز، یک هنرمند، یک قطعه، یک ژانر یا حتی یک فرم موسیقایی باشد. وقتی مخاطب وارد سالن شد، کم‌کم می‌تواند با سایر بخش‌های موسیقی سمفونیک نیز آشنا شود.

○ به نظر می‌رسد مسئله رسانه هم در این میان اهمیت زیادی دارد. به نظر شما رسانه ملی چقدر در معرفی سازها و موسیقی جدی به نسل جوان موفق بوده است؟

با کمال تأسف، رسانه ملی در این زمینه وظایف خودش را به خوبی انجام نمی‌دهد. من دنبال کننده صداوسیما نیستم، اما درباره موسیقی می‌توانم بگویم که موسیقی علمی و صحیح، چه موسیقی دستگاهی، چه موسیقی کلاسیک و چه موسیقی نواحی، در رسانه ملی جایگاه مناسبی ندارد. شما کمتر شاهد معرفی سازها، اجرای برنامه‌های موسیقی جدی یا معرفی کنسرت‌های خوب در تلویزیون هستید.

از طرف دیگر، در خانه بسیاری از جوانان یک گیرنده ماهواره یا دسترسی به شبکه‌ها و رسانه‌های بین‌المللی وجود دارد و آنها مرتب موسیقی‌های مختلف را از ترکیه، ایتالیایی، چین، ژاپن، آمریکا، ایتالیا، تونس، مراکش و کشورهای دیگر می‌بینند و می‌شنوند. در این شرایط، سازی که جلوی چشم جوان قرار می‌گیرد همان سازی است که در این برنامه‌ها می‌بیند. طبیعتاً وقتی سنتور را نمی‌بینند، ممکن است حتی اسم ساز را هم نداند. وقتی سازهای ایرانی یا حتی سازهای کلاسیک غربی به شکل مناسب معرفی نمی‌شوند، طبیعی است که ارتباط نسل جدید با آنها ضعیف شود.

○ در این شرایط، موسیقی پاپ طبیعتاً دسترسی و حضور رسانه‌ای بیشتری دارد و ارتباطش با نوجوانان هم بیشتر است.

بله، همین‌طور است. جوان امروز از طریق رسانه با موسیقی‌هایی مواجه می‌شود که مرتب در دسترس او

بیشتری کار می‌کند. من زمانی را به یاد دارم که در ارکستر سمفونیک تهران، خود ما چنین شرایطی نداشتیم. بیمه و مسائل مربوط به امنیت شغلی همیشه یکی از دغدغه‌های ما بود. اما در چند سال اخیر احساس می‌کنم این چتر امنیت شغلی تا حدی روی ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران باز شده است. البته انسان همیشه فکر می‌کند اگر درآمد بیشتری داشته باشد شرایط بهتر خواهد بود و این هم طبیعی است. در نهایت همه چیز نسبی است، اما اصل موضوع این است که هنرمند باید بتواند با آرامش و امنیت بیشتری کار کند.

○ شما سال‌ها پیش درباره ضرورت داشتن برنامه بلندمدت برای اجرای آثار صحبت کرده بودید. اگر امروز بخواهید همان بحث را مطرح کنید، فکر می‌کنید شرایط نسبت به آن زمان بهتر شده است؟

بله، به نظرم شرایط بهتر شده است. یکی از دلایل وضعیت دانشگاه‌هاست. دانشگاه تهران، دانشگاه هنر، دانشگاه آزاد و مراکز آموزشی مختلف، در سال‌های اخیر آهنگسازان متعددی تربیت کرده‌اند و رشته آهنگسازی به شکل جدی دنبال شده است. طبیعتاً وقتی تعداد آموزش دیدگان بیشتر می‌شود، وضعیت آهنگسازی نیز رشد می‌کند. از طرف دیگر، نباید نقش تکنولوژی را فراموش کنیم. امروز آهنگساز می‌تواند یک اثر را بنویسد و تقریباً بلافاصله نتیجه کارش را با استفاده از سیستم‌های تکنولوژیک موجود در خانه بشنود. اگر اشکالی در کار وجود داشته باشد، آن را اصلاح می‌کند.

این امکان در گذشته وجود نداشت و به نظرم تکنولوژی کمک بزرگی به آهنگسازان کرده است.

○ اگر بخواهید جایگاه موسیقی ایران را در نقطه‌ای که امروز ایستاده توصیف کنید، چه می‌گویید؟

به نظر من موسیقی ایران امروز در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. ما از گذشته یک میراث بسیار ارزشمند موسیقایی داریم و در کنار آن، امروز با تکنولوژی‌های جدید و نسلی از جوانان مواجه هستیم که به این تکنولوژی‌ها و شیوه‌های جدید آهنگسازی علاقه‌مندند. بنابراین می‌توان آینده‌ای را برای موسیقی ایران تصور کرد. به نظرم امروز بیش از اینکه فقط درگیر حفظ، نگهداری و انتقال موسیقی گذشته باشیم. که البته این هم بخشی از وظیفه موسیقی‌دانان است. باید ببینیم از این میراث چه پلی می‌توانیم برای آینده بسازیم. مهم این است که گذشته را به آینده متصل کنیم، نه اینکه فقط در گذشته بمانیم.

○ یکی از چالش‌های امروز، ارتباط نسل جوان با موسیقی سمفونیک است. چطور می‌توان این نسل را به سالن‌های موسیقی کلاسیک آورد؟

این مسئله با برنامه‌ریزی و انتخاب رپرتوار مناسب امکان‌پذیر است. من همیشه چند ارکستر را که برنامه‌هایشان را دنبال می‌کنم مثال می‌زنم. مثلاً ارکستر سمفونیک آنتالیا در سال حدود ۴۰ تا ۴۵ برنامه دارد و برنامه‌هایش را نیز از قبل منتشر می‌کند. نکته جالب

شعر و کلام در بخش‌های مختلف اثر نقش مهمی دارند و از شعر شاعران مختلف استفاده شده است. از جمله شعرهایی از بژن ترقی و همچنین متونی از محتشم و خواجه عبدالله انصاری در بخش‌های مختلف اثر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این اشعار در کنار موسیقی، فضای روایی و عاطفی اثر را شکل می‌دهند و باعث می‌شوند «خسوف» فقط یک اثر موسیقایی نباشد، بلکه وجه روایی و آیینی آن نیز برای مخاطب اهمیت پیدا کند.

○ گروه گر چه نقشی در ساختار «خسوف» دارد؟ آیا می‌توان گفت بخش گر یکی از دشوارترین قسمت‌های اثر است؟

قطعاً. برای گروه گر، «خسوف» اثری بسیار پرچالش است. اثر کاملاً چهارصدایی نوشته شده و هر کدام از بخش‌های آوازی، از نظر تکنیکی ویژگی‌های خاص خودشان را دارند. بنابراین گروه گر باید هم از نظر هماهنگی و هم از نظر تکنیک، آمادگی بالایی داشته باشد. علاوه بر گروه گر، تک‌خوان نیز در اثر نقش دارد و مجموع این عناصر باعث می‌شود اجرای «خسوف» از نظر اجرایی پروژه‌ای بزرگ و دشوار باشد.

○ با توجه به تجربه طولانی شما در ارکستر، وضعیت آهنگسازی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ما در نسل‌های مختلف آهنگسازان بسیار خوبی داشته‌ایم، اما چرا گاهی آثار آنها به اجراهای محدود و مناسبتی محدود می‌شوند و بعد از صحنه کنار می‌روند؟

به نظرم پیش از هر قضاوتی باید آمار اجراها را بررسی کنیم. باید ببینیم در طول یک سال چند برنامه توسط ارکسترهای ما اجرا شده و از این تعداد، چه میزان به آثار آهنگسازان ایرانی اختصاص داشته است. در سال گذشته آثار مختلفی از آهنگسازان ایرانی اجرا شده است؛ از آهنگسازان جوان‌تر گرفته تا آهنگسازان نسل‌های قدیمی‌تر. خود من نیز در سال گذشته اجرای آثار آهنگسازان ایرانی را داشته‌ام. امسال هم در برنامه بزرگداشت فردوسی، آثاری از آهنگسازان ایرانی، از جمله آثاری از حشمت سنجری، آرمان مهربان و ارسلان کامکار اجرا شد. بنابراین نمی‌توان بدون بررسی برنامه‌های سالانه ارکسترها درباره این موضوع قضاوت کرد. باید ببینیم مثلاً از ۲۷ برنامه‌ای که یک ارکستر در طول سال اجرا کرده، چند برنامه به آهنگسازان ایرانی اختصاص داشته است. این آمار می‌تواند تصویر دقیق‌تری به ما بدهد.

○ یکی از بحث‌های مهم در موسیقی حرفه‌ای، وضعیت اقتصادی نوازندگان است. دستمزد، بیمه و امنیت شغلی تا چه اندازه می‌تواند روی کیفیت کار هنرمند تأثیر بگذارد؟

قطعاً تأثیر دارد. وقتی دستمزد هنرمند و نوازنده به شکل مناسب پرداخت شود، وقتی از نظر شغلی امنیت داشته باشد، بیمه منظم داشته باشد و حقوق ثابت و مشخص دریافت کند، طبیعی است که با آرامش